

بسم الله الرحمن الرحيم





دنیا مانند آب دریاست که هر چه تر نشسته از آن بیشتر آتش مده

تشنگیش بیشتر شود تا او را بکشد

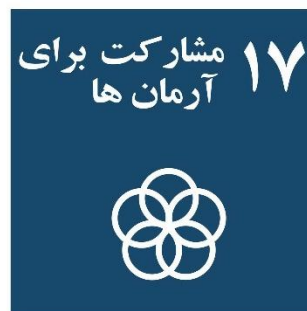
امام جعفر صادق علیه السلام

© 2007

سواد دیجیتال در کلاس تفکر و سواد رسانه‌ای

حسین غفاری

تیرماه ۹۸

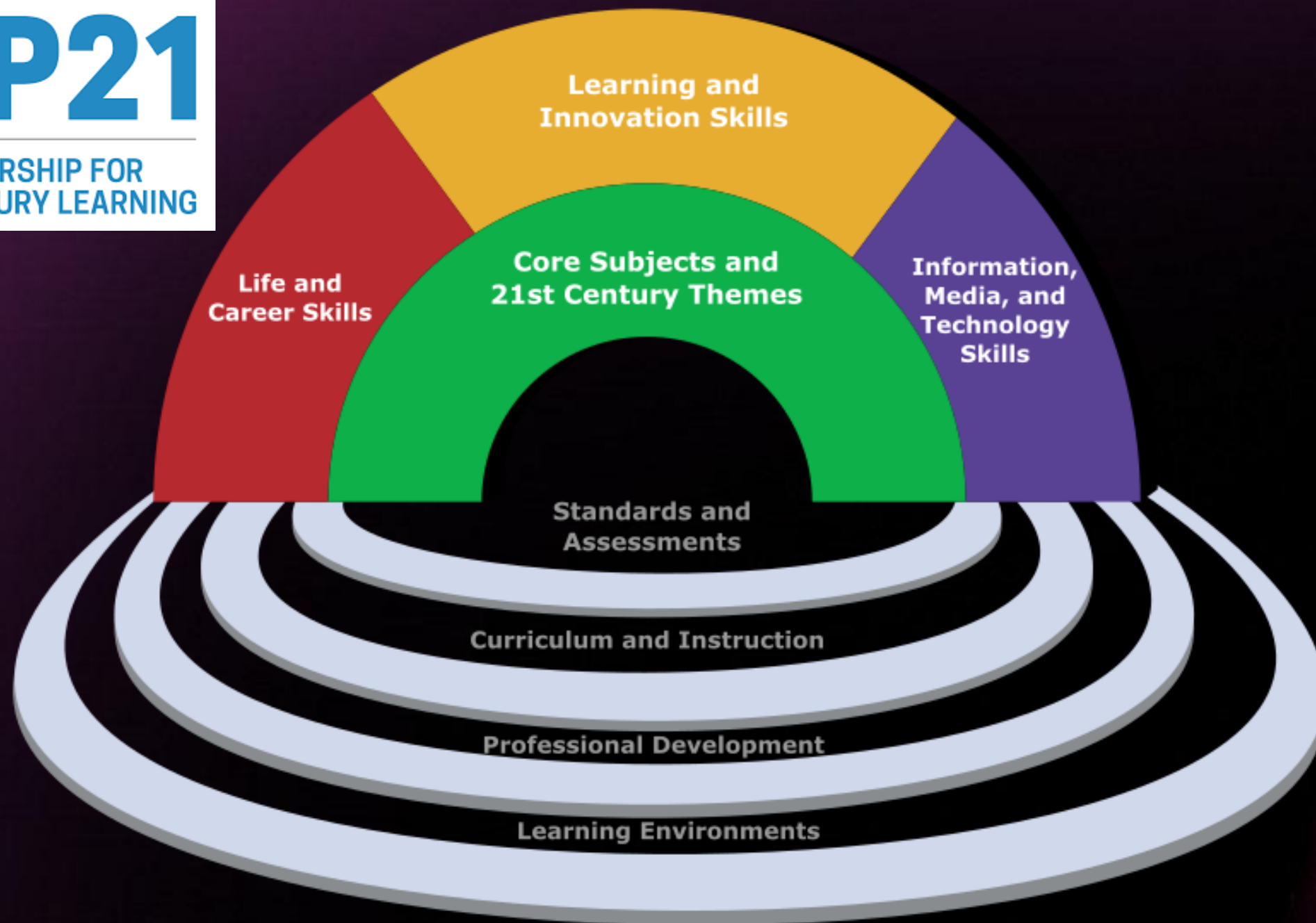


مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد
www.unic-ir.org





**PARTNERSHIP FOR
21ST CENTURY LEARNING**





PARTNERSHIP FOR
21ST CENTURY LEARNING

موضوع‌های اصلی

زبان انگلیسی
هنر خواندن و نوشتن
زبان‌های جهانی
هنرها
ریاضیات
اقتصاد
علوم پایه
جغرافیا
تاریخ

حکومت، دولت، قانون و مقررات
تعلیمات اجتماعی

مهارت زندگی و حرفه‌ای

انعطاف‌پذیری و سازگاری
ابتکار و خودراهبری
مهارت‌های اجتماعی و
بین‌فرهنگی
بهره‌وری و پاسخ‌گویی
رهبری

مهارت یادگیری و نوآوری

خلاقیت و مهارت‌های نوآوری
تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله
مهارت‌های ارتباطی و همکاری

مهارت فناوری، رسانه‌ای و اطلاعاتی

سواد اطلاعاتی
سواد رسانه‌ای
سواد ICT
(اطلاعات، ارتباطات و فناوری)



PARTNERSHIP FOR
21ST CENTURY LEARNING

Learning and Innovation "The 4 C's"	Digital Literacy	Career and Life
Critical thinking & problem solving	Information literacy	Flexibility & adaptability
Creativity and innovation	Media Literacy	Initiative & self-direction
Communication	ICT Literacy	Social & cross-cultural interaction
Collaboration		Productivity & Accountability
		Leadership & responsibility

جدول ۱. شایستگی‌های مهارت‌های قرن بیست و یکم (براساس چارچوب یادگیری قرن ۲۱، ۲۰۰۹)

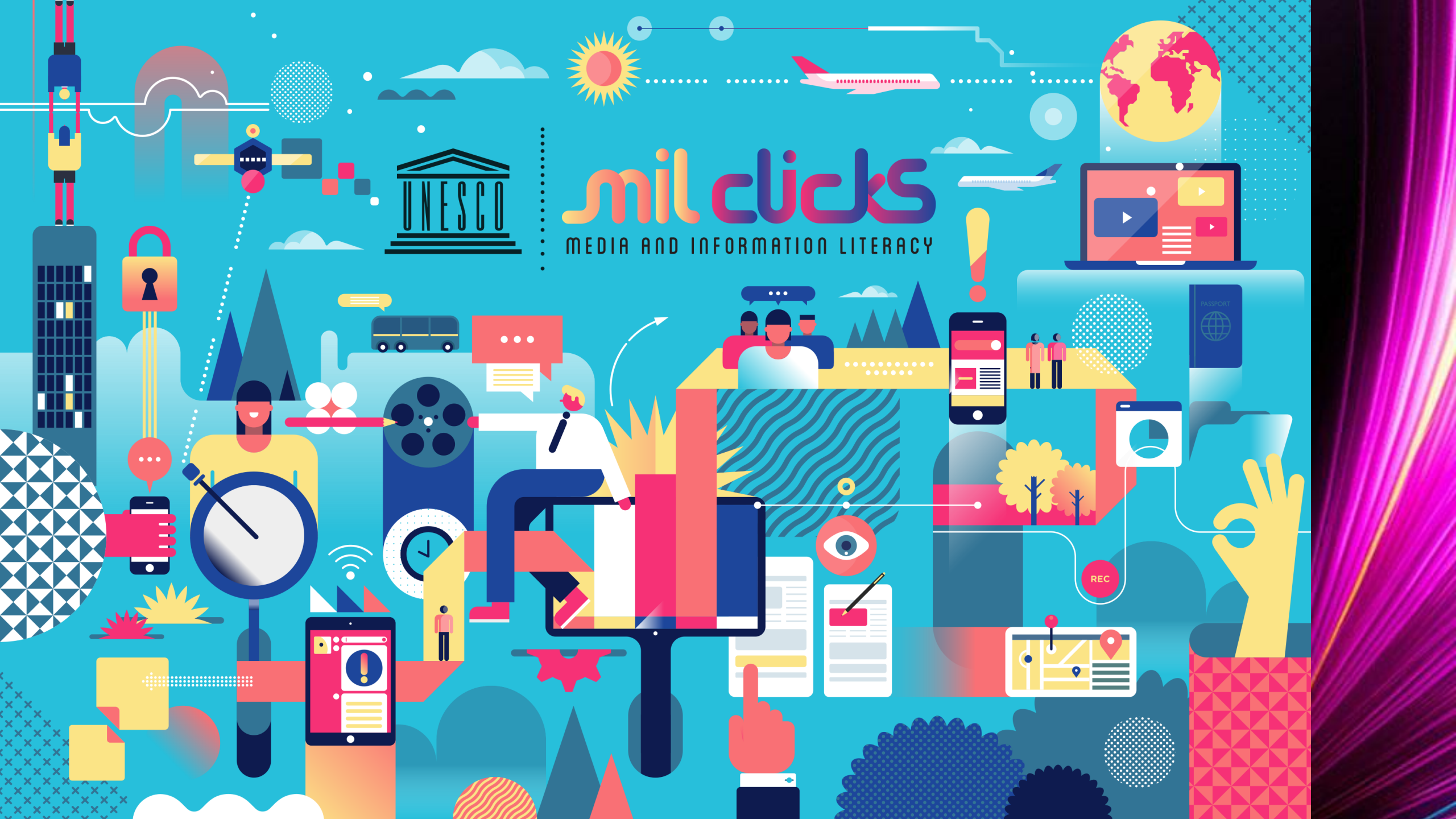
مهارت‌های یادگیری و نوآوری	مهارت‌های اطلاعاتی، رسانه‌ای و فناوری	مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای / شغلی
● موضوع‌های اصلی ● تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله ● مهارت‌های ارتباطی و همکاری ● خلاقیت و مهارت‌های نوآوری	● سواد اطلاعاتی ● سواد رسانه‌ای ● سواد ICT اطلاعات، ارتباطات و فناوری	● انعطاف‌پذیری و سازگاری ● ابتکار و خودراهبری ● مهارت‌های اجتماعی و بین‌فرهنگی ● بهره‌وری و پاسخ‌گویی ● رهبری



PARTNERSHIP FOR
21ST CENTURY LEARNING



سواد دیجیتال



قوانین پنج گانه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی (ام‌آی‌ال)



United Nations
Educational, Scientific and
Cultural Organization

قانون ۳

اطلاعات، دانش، و پیام‌ها همیشه دارای ارزش خنثی، یا همیشه برکنار از سوگیری نیستند. هر گونه مفهوم‌سازی، بهره‌برداری و کاربریست سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی باید این حقیقت را برای همه شهروندان، آشکار و قابل درک سازند

قانون ۲

هر شهروند، یک پدیدآورنده اطلاعات/ دانش است و پیامی دارد. آنان باید توان دستیابی به اطلاعات/ دانش جدید، و بیان نظرات خود را داشته باشند. سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی برای همه - بدون تفاوت بین زنان و مردان - و حلقه پیوند حقوق انسانی است



قانون ۴

هر شهروند می‌خواهد اطلاعات، دانش، و پیام‌های تازه را دریافت و درک و نیز مبادله کند، حتی اگر از این امر آگاه نباشد، آن را نپذیرد، یا بیان نکند. اما حقوق وی هرگز نباید مورد مصالحه قرار گیرد

قانون ۱

اطلاعات، ارتباطات، کتابخانه‌ها، رسانه‌ها، فناوری، اینترنت، و نیز دیگر شکل‌های ارائه کننده اطلاعات، برای استفاده در اشتغال بسیار مهم مدنی و توسعه پایدار هستند. آنها دارای جایگاهی همسان هستند و هیچیک بهتر از دیگری نیست و باید بر همین پایه با آنها رفتار شود.



قانون ۵

سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی یکباره به دست نمی‌آید؛ بلکه یک تجربه و فرایند زیسته و پویا است و زمانی کامل می‌شود که دانش، مهارت‌ها، و گرایش‌ها را شامل گردد، و دسترسی، ارزیابی/سنجش، به‌کارگیری، تولید، و تبادل محتوای اطلاعاتی، رسانه‌ای، و فناوری را دربرگیرد

GLOBAL MEDIA AND INFORMATION LITERACY WEEK

2017

25 OCTOBER - 1 NOVEMBER



چرا سواد رسانه‌ای؟

فصل ۱: ما و رسانه‌ها (۶ ساعت آموزشی)

درس ۱: مسابقه رسانه‌ها با زمان

درس ۲: پیام همبرگری

درس ۳: پنجگانه سواد رسانه‌ای (۱)

فصل ۲: فنون خلق پیام رسانه‌ای! (۱۰ ساعت آموزشی)

درس ۴: تصاویر بی‌طرف نیستند!

درس ۵: از بازتمایی تا کلیشه

درس ۶: فنون اقناع (۱)

درس ۷: ما هم می‌توانیم!

درس ۸: فنون اقناع (۲) (درس اختیاری)

فصل ۳: نادیده‌های رسانه‌ها (۸ ساعت آموزشی)

درس ۹: مهندسان پیام

درس ۱۰: بازی گردانان بزرگ

درس ۱۱: دروازه‌بانی خبر

فصل ۴: مخاطب شناسی (۶ ساعت آموزشی)

درس ۱۲: مخاطب خاص!

درس ۱۳: مخاطب فعال یا منفعل!

درس ۱۴: مخاطب، بی‌مخاطب!

فصل ۵: رسانه و سبک زندگی (۱۰ ساعت آموزشی)

درس ۱۵: هر چیز که در جستن آنی، آنی

درس ۱۶: کلیشه بدن

درس ۱۷: بازی زندگی است (درس اختیاری)

درس ۱۸: زندگی دوم

درس ۱۹: پنجگانه سواد رسانه‌ای (۲) (۲ ساعت آموزشی)

فصل ۶: رژیم مصرف رسانه‌ای (۶ ساعت آموزشی)

درس ۲۰: مراقب اضافه بار باشید!

درس ۲۱: من از رسانه‌ها هوشمندانه استفاده می‌کنم!

درس ۲۲: اخلاق رسانه‌ای

بازبینی‌های ارزیابی (تیمسال اول و دوم سال تحصیلی)

منابع

شماره جلسه	موضوع اصلی
۱	فناوری‌های همگرا
۲	انقلاب دیجیتال و چهار ریل توسعه فاوا
۳	زندگی ابری و چهار ریسمانی که به آن آویخته‌ایم
۴	تاریخچه وب و اینترنت / وب عمیق و وب تاریک
۵	کلان داده و داده کاوی و مخاطرات آن
۶	کارکردهای پنج‌گانه اینترنت
۷	شناخت و دسته‌بندی رسانه‌های اجتماعی

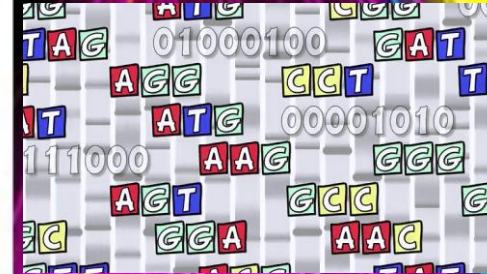
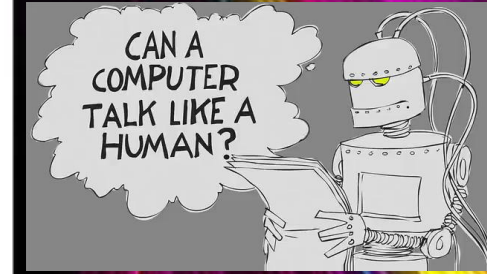
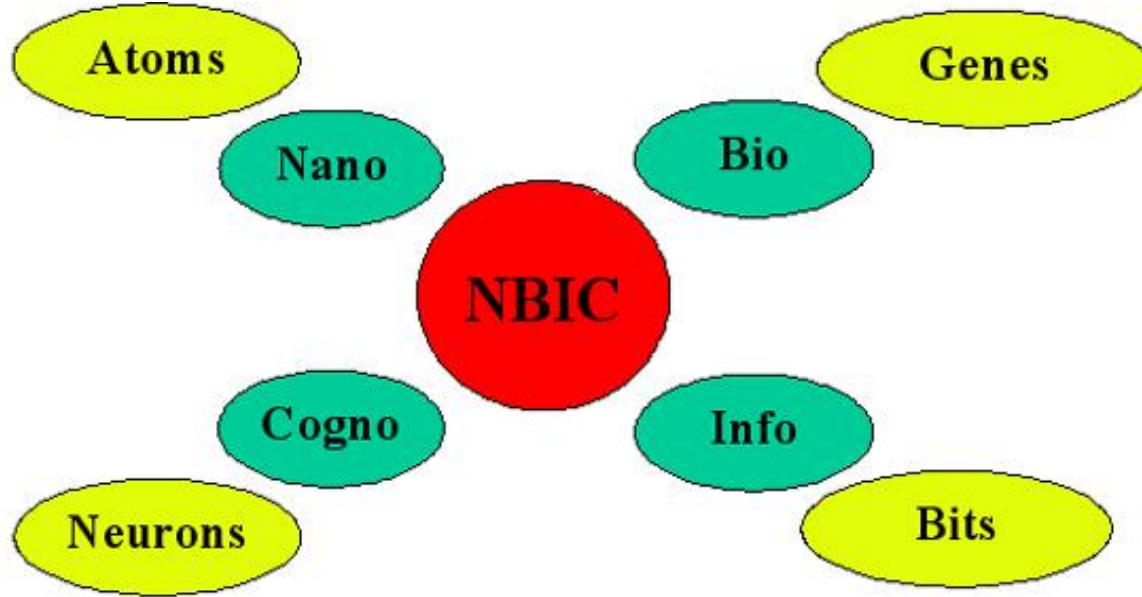


@mlfarhang97

اصول پنج گانه یادگیری همیارانه



فناوری‌های همگرا (NBIC)



- فناوری نانو (Nanotechnology)
- فناوری زیستی (Biotechnology)
- فناوری اطلاعات (Information Technology)
- علوم شناختی (Cognitive Science)

جلسه ۱



: N
: B
: I
: C

تعریف ساده	پنج عنوان از مهمترین محصولات و خدمات	دو مورد از تهدیدها و آسیب‌ها
۱- فناوری نانو	۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۱- ۲-
۲- فناوری زیستی	۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۱- ۲-
۳- فناوری اطلاعات	۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۱- ۲-

تعریف ساده	پنج عنوان از مهمترین محصولات و خدمات	دو مورد از تهدیدها و آسیب‌ها
	۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۱- ۲-

۴- فناوری شناختی

به بیست سال بعد بروید (بعد از گفتگوی گروهی، به هر یک از سؤالات جالبی زیر پاسخ دهید)		
۱	کلاس درس بچه‌های دوره‌ی ۴۷ دبیرستان فرهنگ، متأثر از پیشرفت فناوری‌های همگرا، چه تغییری کرده است؟	
۲	یک هیأت عزاداری ماه محرم در شهر تهران، متأثر از پیشرفت فناوری‌های همگرا، چه تغییری کرده است؟	

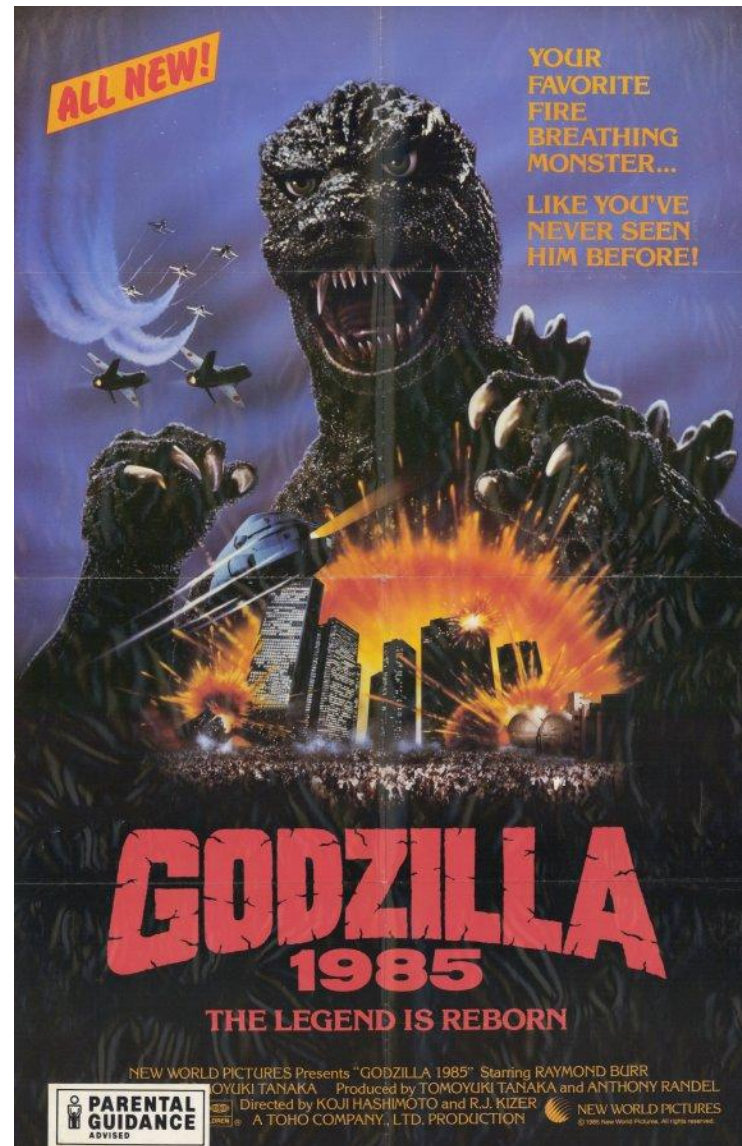


- تشکیل گروه‌های چهار نفره و اجرای روش گروه پازلی (Jigsaw group)
- ۵ دقیقه در چهار گروه تخصصی تبادل شفاهی اطلاعات جمع‌آوری شده درباره هر یک از چهار موضوع (گرم شدن کلاس)
- ۴ تا ۴ دقیقه تکمیل کاربرگ ارزیابی در گروه‌های اصلی (یک نفر گوینده، یک نفر نویسنده و دو نفر مشارکت‌کننده، چرخش نقش‌ها در هر موضوع)
- تماشای فیلم کوتاه سیر پیشرفت فناوری
- ۲ تا ۵ دقیقه پاسخ به دو سوال چالشی در کاربرگ ارزیابی در گروه‌های اصلی
- جمع‌بندی بحث همگرایی فناوری‌ها توسط معلم

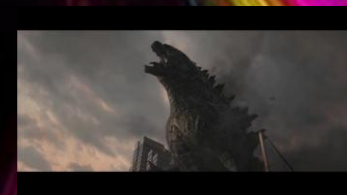
چهار ریل توسعه فاوا



دیجیتالی شدن



جلسه ۲



زندگی ابری و چهار ریسمانی که به آن آویخته ایم ...



یادگیری همیارانه

Rally Table

نام نفر اول:

رسمان سوم:

شماره گروه:

بی جسمی

متن زیر را با دقت بخوانید و دو دقیقه تأمل کنید:

... جسم آدمها ابزار کسب شناخت از دنیای بیرون از ذهن آنهاست. آدمها با جسمشان می بینند، می شنوند، بو می کشند، مزه ها را می چشند، اجسام را لمس می کنند و به فهمی د خویش در میان سایر اجسام و اجساد می رسند. سلامت یا نقص جسم آدمها، تناسب و زیبایی یا زشتی صورت آنها در کیفیت برداشتشان از محیط زندگی زمینی و کیفی تأثیرگذار است. اما آدمها در زندگی جدیدشان در دنیای ابری با شرایطی عجیب رو باط بگیرند

تألت بدن
تبط می ش

تهدیدها

نام نفر اول:

رسمان اول:

شماره گروه:

بی زمانی

متن زیر را با دقت بخوانید و دو دقیقه تأمل کنید:

... زندگی زمینی محصور در «زمان» است. آدمها زمانی به دنیا می آیند و سالها و ماهها و روزها در حصار ثانیه ها و دقیقه ها و ساعت ها زندگی می کنند و در زمانی نامعلوم از این دنیا می روند. زندگی در کره ی خاکی، روز و شب دارد؛ صبح و غروب؛ ظهر و عصر؛ تابستان و زمستان؛ پاییز و بهار. اما آدمهایی که پایشان را از زمین به دنیای ابری می گذارند، از رسمان بی زمانی می آویزند. دنیای ابری زمان ندارد؛ هفته ندارد؛ فصل ندارد. دنیای ابری دنیای روز است؛ شب ندارد. دنیایی بی قرار؛ بی آرام. جمعه و شنبه در دنیای ابری یکسان است. صبح و شب فرقی با هم ندارد. هفت روز هفته و بیست و چهار ساعت شبانه روز، کوچه ها و خیابان های دنیای ابری «روشن» و مغازه ها و بازارهای آن «باز» است. دنیای ابری دنیای «یک فصل» است؛ نه زمستان سردتر و نه تابستان گرم تر...

جمع بندی نهایی نفر اول:

فرصت ها	تهدیدها

نام نفر اول:

رسمان چهارم:

شماره گروه:

نافر اموشی

متن زیر را با دقت بخوانید و دو دقیقه تأمل کنید:

... در دنیای ابری هیچ چیزی هرگز فراموش نمی شود. ورود به دنیای ابری به مثابه پیوند با ابدیت است. آدمها از گذشته های دور بر روی زمین به دنبال اکسیر حیات و راز جاودانگی می گشته اند و دنیای ابر به نوعی تحقق این رؤیای شیرین است. ردپای آدمها در دنیای ابری نه بر روی شن های ساحل و نه بر ر برف، بلکه بر روی صخره های سخت حک می شود؛ صخره هایی سخت و نامتناهی که ردپای آدمها را ه فراموش نمی کنند. تمامی لحظات زندگی آدمها در دنیای ابری، از کودکی تا کهن سالی، به شکل نوشت تصویر، ثبت و ضبط می شود ...

جمع بندی نهایی نفر اول:

فرصت ها	تهدیدها

متن زیر را با دقت بخوانید و دو دقیقه تأمل کنید:

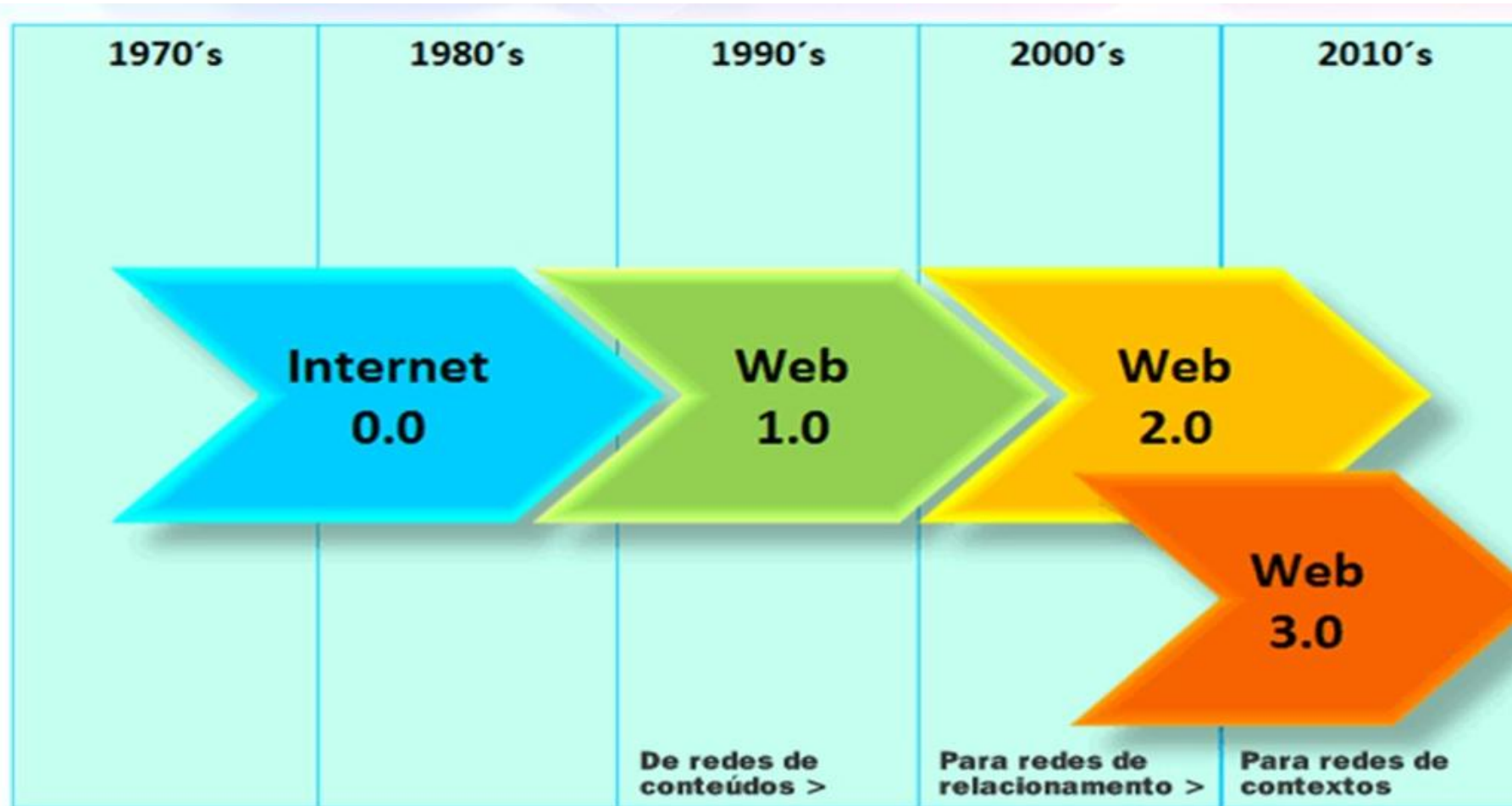
... زمین «مکان» زندگی آدمیان است و زندگی زمینی کاملاً «مکان مند». آدمها هویت خویش را در رابطه با محیط زندگی و در رابطه با دیگران تعریف می کنند و «دوری از» و «نزدیکی به» جایی یا کسی یا چیزی هویت انسان را شکل می دهد. معلوم است که بر روی زمین، «رابطه» تابعی از «فاصله» است و «فاصله» هم رابطه ای است که دو «مکان» با یکدیگر برقرار می کنند. غالباً هر چه فاصله ی دو مکان کمتر، رابطه شان بیش تر است و آدمها رابطه هایشان را در شبکه ای از این دوری ها و نزدیکی ها تعریف می کنند. در دنیای ابرها اما این قواعد وجود ندارد. دنیای ابری یک دنیای «بی فاصله» است؛ سرزمینی «بدون بُعد». در این دنیای جدید همه چیز همان قدر از هم دور هستند که همان قدر به هم نزدیک اند. دورترین فاصله ها در دنیای ابری به اندازه ی نزدیک ترین فاصله هاست...

جمع بندی نهایی نفر اول:

فرصت ها	تهدیدها

جلسه ۳

تفاوت اینترنت و وب چیست؟

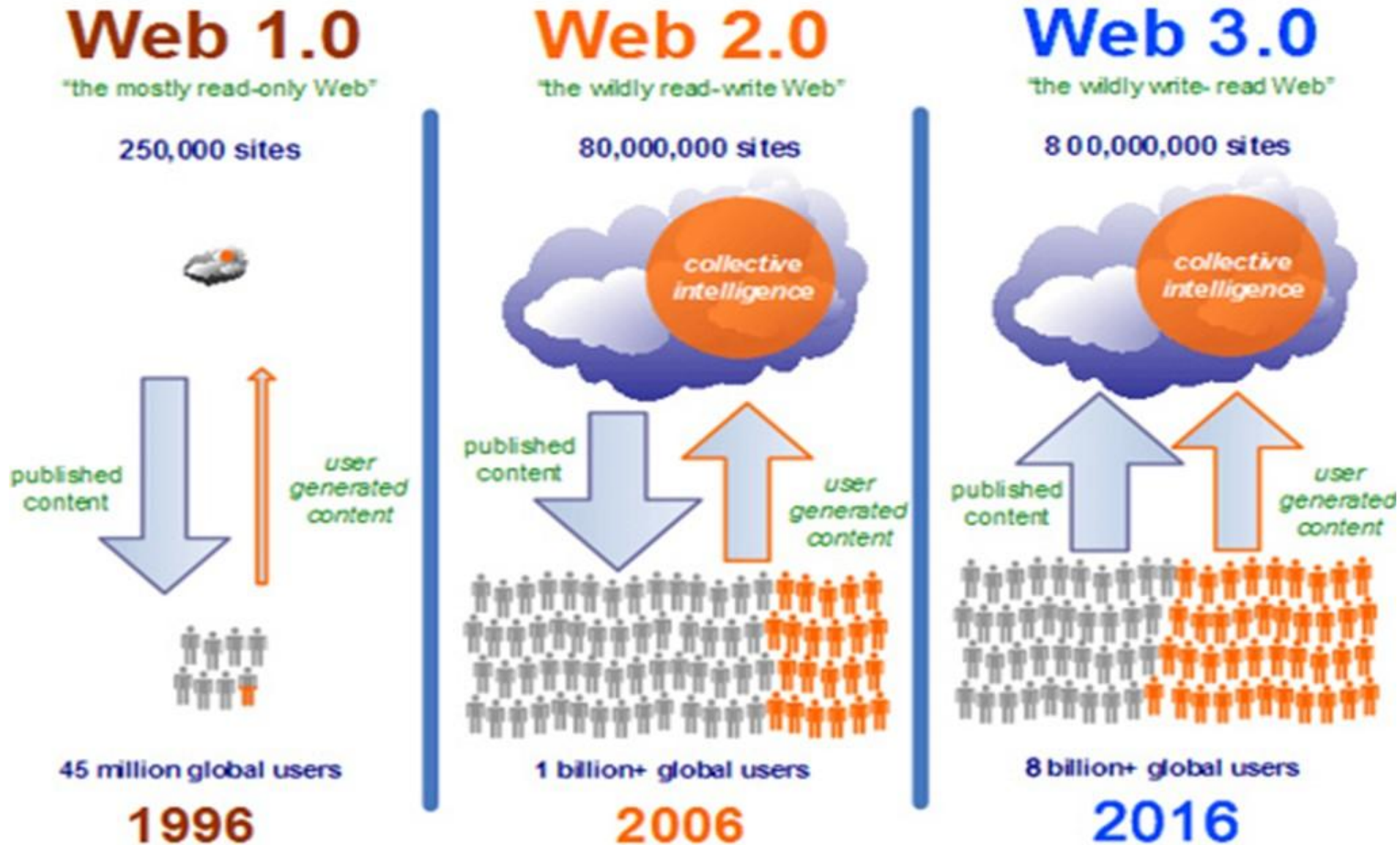


مروری بر تاریخچه وب از آغاز تاکنون



جلسه ۴

تحولات اینترنت از وب ۱ تا وب ۳



وب تاریک
وب عمیق

جلسه ۴

آینده وب با ذکر چند مثال



«کلان داده» (Big Data) و «داده کاوی» (Data Mining)

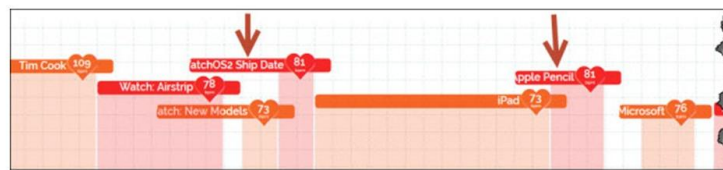
Google



یکی از مدیران شرکت گوگل اظهار امیدواری کرده بود که ما به نقطه‌ای دست خواهیم یافت که وقتی فردی در حال حرکت به سمت منزل خود است با پیامکی از سوی گوگل مطلع گردد:

«برای خریدن فهرستی که همسران یک ساعت قبل به شما پیامک کرده بود اکنون از کنار آخرین فروشگاه در مسیر رسیدن به منزل عبور می‌کنید. پس فرصت را از دست ندهید!»

Apple iWatch



تحلیل جمعی احساسات همگانی

عده‌ای از افراد همزمان با همایش اپل، ساعت اپل را به دست کرده بودند. آنها از طریق اپلیکشنی به نام کاردیوگرام، به صورت گروهی، ضربان‌های قلب خود را با پیش می‌کردند تا بدانند کدام قسمت از همایش تازه اپل، قلب‌ها را بیشتر به طیش وا می‌دارد؟ اپلیکشن کاردیوگرام می‌گوید که در هنگام معرفی زمان رونمایی نسخه دوم سیستم عامل ساعت‌های اپل و نیز هنگام معرفی قلم آی‌پد پرو، ضربان قلب حضار به صورت متوسط ۸۱ ضربه در دقیقه بود.



<http://www.1pezeshk.com/archives/pumping.html-hearts-our-got-really-that-announcements-apple-the/2015/09>

amazon.com



پیش بینی خرید مشتریان
آمازون سیستمی را ابداع کرده است که بواسطه آن قادر خواهد بود سفارش بعدی مشتریانش را بدون اینکه ایشان خریدشان را قطعی کرده باشند پیش بینی کرده و آن را به نزدیک ترین انبار به محل زندگی مشتریان ارسال کند. برگ برنده این ایده خلافتانه زمانی مشخص می‌شود که اجناس سفارش داده شده در سریع ترین زمان ممکن به دست خریداران برسد.

بدین وسیله، آمازون اجناس را با برچسب‌هایی که آدرس روی آن‌ها کامل نشده است به نزدیک ترین انبار به محل زندگی مشتریان می‌فرستد و هنگامی که سفارشی از سوی یکی از مشتریان داده شد، آدرس روی بسته‌ها تکمیل شده و ارسال می‌شوند.



<https://sokanacademy.com/blog/73>



aparar.com/ayenehschool

جلسه ۵



جلسه ۵

فیلم مستند «شهروند چهار» (Citizenfour)

حالا وقت آن است که کمی عمیق‌تر درباره ماجرای «شهروند چهار» تفکر و تحقیق کنید:	
۱ کدام شرکت مهم دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات از افشاگری‌های «ادوارد اسنودن» در امان ماند و اسنادی بر علیه همکاریش با سازمان امنیت ملی آمریکا منتشر نشد؟	
۲ با توجه به فیلم «شهروند چهار» جایگاه «مطبوعات» در فضای اجتماعی-سیاسی غرب را تحلیل کنید.	
۳ بغیر از «ادوارد اسنودن» چه شخص دیگری را می‌شناسید که در سال‌های اخیر به افشاگری‌هایی نظیر ماجرای «شهروند چهار» دست زده باشد؟ سرنوشت او چه شد؟	
۴ شما برای محفوظ ماندن حریم خصوصی خودتان در فضای مجازی از دست‌اندازی سازمان‌ها و نهادهای امنیتی چکار می‌کنید؟	
۵ شما برای محفوظ ماندن حریم خصوصی خودتان در فضای مجازی از دست‌اندازی اشخاص تبهکار و مزاحم چکار می‌کنید؟	

تفکر و سواد رسانه‌ای		نام و نام خانوادگی:	کلاس دهم:
کاربرگ فیلم‌پژوهی			
شناسنامه فیلم	فیلم مستند «شهروند چهار» (Citizenfour) تهیه‌کننده و کارگردان: لورا پوترس تولید: ۲۰۱۴ م. آمریکا و آلمان برنده جایزه اسکار بهترین فیلم مستند بلند سال ۲۰۱۵		
خلاصه داستان فیلم			
دو نکته مثبت	۱-		
	۲-		
دو نکته منفی	۱-		
	۲-		



جلسه ۵



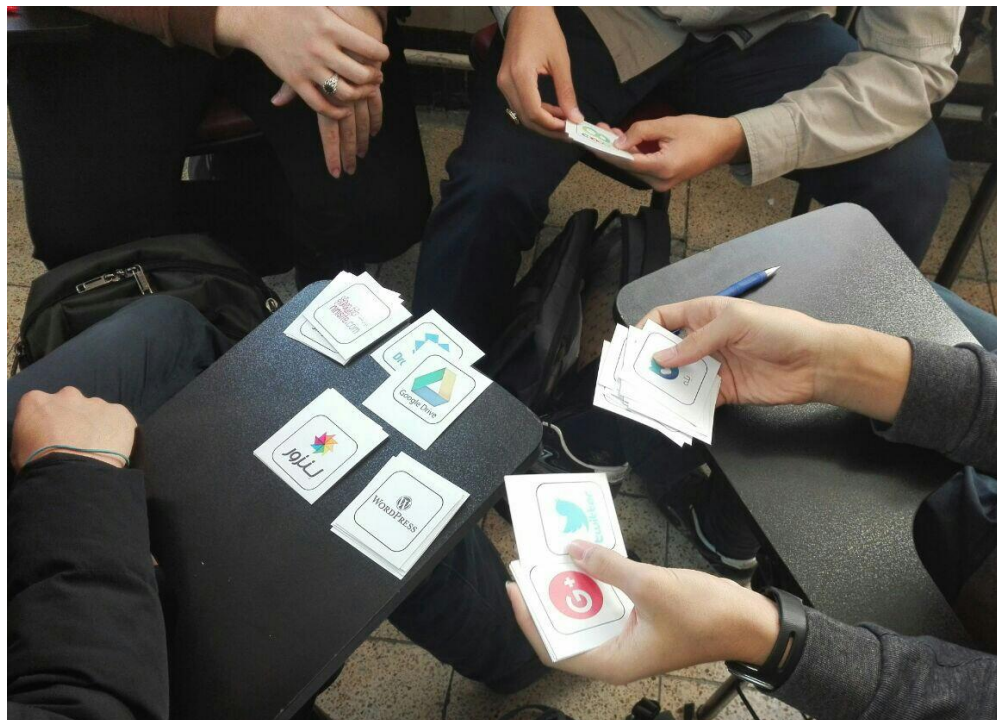
سه مورد از فرصت‌ها و مزیت‌ها	سه مورد از تهدیدها و آسیب‌ها	※
۱- ۲- ۳-	۱- ۲- ۳-	۱. اطلاعات (تولید، نگهداری، انتقال، انتشار)
۱- ۲- ۳-	۱- ۲- ۳-	۲. ارتباطات (دسترسی، تعامل، ردگیری)
۱- ۲- ۳-	۱- ۲- ۳-	۳. آموزش (منابع، مراجع، محتوا)
۱- ۲- ۳-	۱- ۲- ۳-	۴. تجارت (بازاریابی، کسب و کار، تراکنش)
۱- ۲- ۳-	۱- ۲- ۳-	۵. فراغت (سرگرمی، نشاط)

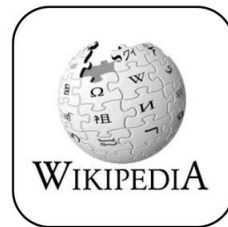
انجام فعالیت همیارانه با موضوع «کارکردهای اینترنت»



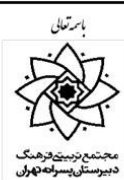
- تشکیل گروه‌های پنج نفره / تعیین شماره برای افراد داخل هر گروه از یک تا پنج
- طوفان فکری پنج دقیقه‌ای همه‌ی کلاس با سؤال: «شما در اینترنت چه می‌کنید؟»
- دسته‌بندی پاسخ‌ها با کمک بچه‌ها و معرفی دسته‌بندی پنجگانه پیشنهادی
- ۵ دقیقه تمرکز هر فرد روی موضوع شماره‌ی خود و یادداشت فرصت‌ها و تهدیدهای آن کارکرد در چرکنویس
- ۳ دقیقه فرصت نفر اول برای توضیح موارد یادداشت شده و کمک هم‌گروهی‌ها برای تکمیل نکته‌های او
- توزیع کاربرگ «کارکردهای اینترنت» و تکمیل ردیف اول توسط نفر اول در حین ارایه و بحث نفر دوم
- چرخش ۳ دقیقه‌ای بحث به ترتیب افراد تا شماره پنج
- پاک‌نویس همزمان نکته‌ها در ردیف‌های مربوطه در کاربرگ توسط مسئول هر بخش در حین ارائه نفر بعدی در گروه
- جمع‌آوری کاربرگ‌ها و تغییر چیدمان کلاس به حالت عادی
- مروری بر نکته‌های هر یک از کارکردهای پنج‌گانه با همکاری بچه‌های متخصص در هر موضوع

فعالیت همیارانه «شناخت و دسته‌بندی رسانه‌های اجتماعی»





جلسه ۷



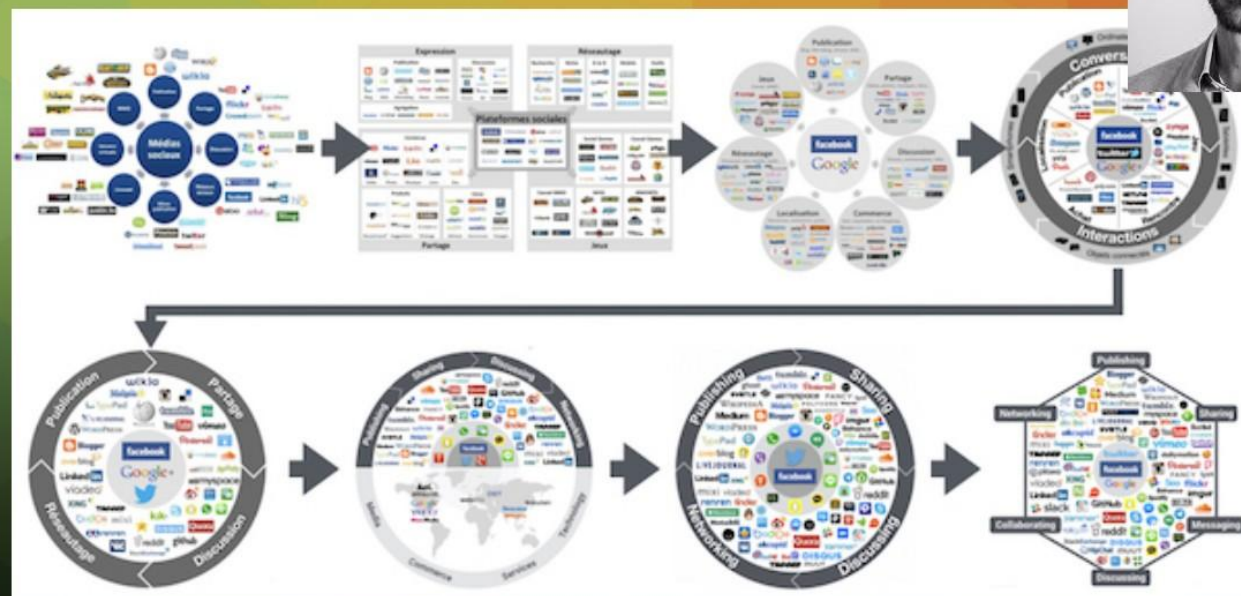
تفکر و سواد رسانه‌ای
آذرماه ۹۷
کاربرگ رسانه‌های اجتماعی

اعضای گروه شماره

-
-
-
-

*	نام پیشنهادی برای دسته	اسامی رسانه‌های اجتماعی در این دسته	ویژگی‌ها و کارکردهای مشترک اعضای این دسته	آیا رسانه‌ای از قلم افتاده است؟
دسته اول				
دسته دوم				
دسته سوم				
دسته چهارم				
دسته پنجم				

تلاش دنباله دار fred cavazza



جلسه ۷

آخرین دسته‌بندی‌های رایج شده توسط آقای کاوازا

چه شباهت و تفاوتی با دسته‌بندی‌های شما دارد؟

Social Media Landscape 2015



FredCavazza.net

Social Media Landscape 2018



SYSK

FredCavazza.net

شماره جلسه	موضوع اصلی
۱	فناوری‌های همگرا
۲	انقلاب دیجیتال و چهار ریل توسعه فاوا
۳	زندگی ابری و چهار ریسمانی که به آن آویخته‌ایم
۴	تاریخچه وب و اینترنت / وب عمیق و وب تاریک
۵	کلان داده و داده کاوی و مخاطرات آن
۶	کارکردهای پنج‌گانه اینترنت
۷	شناخت و دسته‌بندی رسانه‌های اجتماعی



@mlfarhang97

پاتوق مجازی

درنگی در کیفیت حضور
معلم و دانش‌آموزان در
رسانه‌های اجتماعی

حسین غفاری
معلم و پژوهشگر فرهنگ و رسانه



در شماره‌های اول و دوم دوره ۲۳ (مهر و آبان ۹۴) مآدنامه رشد معلم مقالاتی به قلم خاتم کتابون رجی‌راد منتشر شده بود که پیش از هر چیز، از دل‌مشغولی‌های یک معلم علوم اجتماعی دبیرستان در مورد بچه‌ها و حضورشان در رسانه‌های اجتماعی خبر می‌داد؛ معلمی که با دل‌سوزی به پاتوق مجازی دانش‌آموزانش وارد شده و از قابلیت‌های رسانه‌های اجتماعی برای پیشبرد اهداف کلاسی در دست پرده بود. مشت نمونه خروار است. کم نیستند معلمان و مربیانی که در دهه گذشته، به جای منع ورود بچه‌ها به فضای مجازی، با آن‌ها همراهی کرده‌اند و تجربه‌های بسیاری از این حضور اندوخته‌اند.

من به‌خاطر می‌آورم که در دوره دانش‌آموزی، بهترین معلم‌ام آن‌هایی بودند که گاهی لباس و کفش ورزشی می‌پوشیدند و در زمین بازی همیای ما می‌دویدند. صمیمی‌ترین مربیان من آن‌هایی بودند که در سفر یا ما هم‌سفره می‌شدند و در کوه و دشت با ما می‌دویدند و دستمان را می‌گرفتند. چرا بچه‌های امروز باید از چنین معلمانی محروم باشند؟ چرا باید زمین جدید بازی آن‌ها به رسمیت شناخته نشود؟

اما مهم این است که آیا ما با ظرفیت‌های بازی در این زمین جدید آشنا هستیم؟! آیا آسیب‌های فعالیت در رسانه‌های اجتماعی را می‌شناسیم؟! آیا توصیه‌هایی عمومی برای کاربری رسانه‌های اجتماعی وجود دارد؟! آیا می‌توان دستورالعملی برای رفتار معلمان در رسانه‌های اجتماعی نوشت تا مسیر رشد نسل آینده در فضای مجازی را هموار کنند؟! در ادامه سعی می‌کنم مسیر پاسخ دادن به این پرسش‌ها را کمی هموار کنم.

شاید پیش از هر دستورالعملی لازم است، باورهای خود را نسبت به کلیت رسانه‌ها تصحیح کنیم. مطالب زیادی در این باره وجود دارد که برای نمونه می‌توان به «هفت اصل سواد رسانه‌ای» و نیز «توصیه‌های هفت‌گانه نیل پستمن» برای پرورش انسانی که اسیر ماشین نمی‌شود اشاره کرد. این هفت اصل و هفت توصیه را در پایان همین نوشتار خواهید خواند.

آنچه لازم می‌دانم به مطالب یاد شده اضافه کنم، نقش رسانه‌های

اجتماعی در کشفان ما به این دنیای رسانه‌ای و غرق کردنمان در آن است. از آنجا که تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر کاربران در سه سطح پیش-گرایش و کنش به ثبات رسیده، لازم است کاربران پیش از استغراق در آن، از گزاره‌های بنیادین این دنیا که طبعاً ریشه در تمدن غرب دارد آگاهی کافی داشته باشند. البته تفصیل آن در این مجال نمی‌گنجد.

بچه‌ها چه نیازی به «پاتوق» دارند؟

آن چنان که در «ناتش‌نامه جهان اسلام» ذیل مدخل «توغ» آمده است، «پاتوق» (پاتوق) پاتوق در فارسی امروز به معنای قرارگاه و میعادگاه و محلی است که کسی در اوقات معینی به آنجا می‌رود و معمولاً بخشی از وقت بیکاری خود را در آنجا می‌گذراند.

«پاتوقدار» هم کسی است که در پاتوق بسمت پیشوایی دارد. همان‌طور که «مدرسه» فضایی امن برای اجتماعی شدن بچه‌ها فراهم می‌آورد، با افزایش سن، افراد بزرگ‌تر هم به فضاهایی نیاز دارند که به انتخاب خودشان و با همراهی دوستانشان در آن حضور یابند و رهاگر از چارچوب‌های مدرسه و خانواده، به تمرین مقررات زندگی بزرگسالی بپردازند. پاتوق‌هایی مثل مساجد، هیئت‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، بوستان‌ها، نقرجگاه‌های شهری و مهمانی‌های دوستانه همگی از مصادیق این فضاها هستند. اولیا و مربیان کمابیش می‌دانند که در مورد پاتوق‌ها باید چه آموزش‌هایی به بچه‌ها بدهند و چطور آن‌ها را در انتخاب در سبک «پاتوق» و «هم‌پاتوقی» راهنمایی کنند. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات آموزشی فراوانی هم وجود دارند.

چرا پاتوق سایبری؟

اگر ما اصل پاتوق داشتن را برای یک نوجوان مشروع بدانیم و به او این حق را بدهیم که با توجه به سن و سلیقه و امکانات، از میان انواع گزینه‌های ممکن یکی را انتخاب کند، چرا «فضای سایبر» نتواند یکی از پاتوق‌ها باشد؟ (صدیق‌نای، ۱۳۸۵)

«فضای سایبر» به مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه یا سایر وسایل مخابراتی، در فضای غیرمادی، و به اصطلاح مجازی گفته می‌شود. با این تعریف «پاتوق سایبری» میعادگاه عدای از افراد است که بدون نیاز به تحمل محدودیت‌های جغرافیایی می‌توانند بخشی از وقت بیکاری خود را در آنجا بگذرانند.

در دهه گذشته، تلاش‌های پراکنده‌ای برای شناسایی ابعاد تأثیرگذاری، قابلیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فضای سایبر در موضوع تربیت صورت می‌گرفت. اما متأسفانه اکنون هیچ تلاشی برای ایجاد یک طرح نظام‌مند برای راهنمایی بچه‌ها در پاتوق‌های سایبری انجام نمی‌شود. به نظر من، در گام اول لازم است همه دانش‌آموزان امر تربیت به این سوالات پنج‌گانه بپردازند و برای آن‌ها پاسخی درخور بیابند. من برخی گزاره‌های ذهنی خودم را مبتنی بر پژوهش‌ها و تجربیاتم، ذیل هر پرسش آورده‌ام. شما هم بپندارید.

سؤال ۱ آیا لازم است پاتوق سایبری داشته باشیم؟

۱. تعریف: به این سؤال دوگونه می‌توان پاسخ داد. تا وقتی فلاسفه، آینده‌پژوهان، مهندسان و غول‌های تجاری صنعت سایبر تکلیف خود را به سمت و سو و حد و حصر پیشرفت‌های سایبری روشن نکرده‌اند (که احتمالاً هرگز نمی‌کنند)، نمی‌توان تربیت انسان

الهی را با خوش‌باوری یا مسامحه به این فضا گره زد. نباید برنامه تربیتی ما به گونه‌ای با اقتضات این فضا عجین شود که تغییرات سریع و پیش‌بینی‌ناپذیر آن، به ما فرصت تأمل و انتخاب حکیمانه گام‌های تربیتی را ندهد و خواننده‌خواه به همان سستی کشیده بشویم که توسعه فناوری‌های سایبری به آن سو می‌رود. چراکه به قول سعدی:

شد غلامی که آب جو آرد
آب جوی آمد و غلام ببرد

۲. آری، اگر کمی آرمان‌گرایی را متوقف کنیم و واقع‌نگر باشیم، می‌بینیم چارهای نداریم جز اینکه فرزندان خود را برای مواجهه با دنیای رسانه‌زده اطراف آماده کنیم. چطور می‌توان، خارج از آب شناگری را آموخت و چطور می‌توان با اکتفا به نظر از عمل دست شست؟

پس شاید اجتناب‌ناپذیر باشد که اولیا و مربیان در کنار تمام وظایف عادی و معمول خود در زندگی روزمره، پاتوق‌شناسی و پاتوق‌داری در فضای مجازی را نیز شناسند و -خوشبینانه- فرزندان را در انتخاب و استفاده از پاتوق سایبری راهنمایی کنند یا -بدبینانه- به دنبال بچه‌ها بروند و سر از کار آن‌ها دریابند.

هر دو پاسخ درست است. پاسخ اول می‌گوید ما همچنان باید اصل تربیت را در فضای واقعی دنبال کنیم و پاتوق‌های واقعی را برای بچه‌ها زنده نگه داریم. اما پاسخ دوم می‌گوید اگر می‌خواهیم به موازات فضای واقعی، پاتوق سایبری راه بیندازیم و دانش‌آموزانمان را به حضور در آن تشویق کنیم، باید به این پرسش‌ها پاسخ دقیق بدهیم (این سؤال‌ها را نگارنده فرض می‌کند).

- در پاتوق سایبری کدام‌یک از ابعاد وجودی انسان قابلیت حضور و تأثیرپذیری دارد؟ آیا می‌توانیم تمام امر تربیت را در این ابعاد وجودی به پاتوق سایبری واگذار کنیم؟

- آیا حق داریم از همه بچه‌ها بخواهیم در این پاتوق سایبری حضور یابند؟ آیا در مورد پاتوق‌های واقعی نیز برخورد ما چنین است (یعنی همه مولفان در یک جلسه با مهمانی یک شرکت کنند؟)

- چه طرح تربیتی جایگزینی برای بچه‌هایی که به هر دلیل یا علنی (نگرش فلسفی، بی‌انگیزگی، فقر مادی، کم‌اطلاعی و...) امکان حضور در پاتوق سایبری ندارند، در نظر گرفته‌ایم؟ (مثلاً نتایج یک نظرسنجی در پاتوق سایبری چطور قرار است به همه بچه‌های یک گروه واقعی تعمیم پیدا کند؟ چرا باید نظر اعضای فعال پاتوق سایبری بر دانش‌آموزان توانمندتری که در پاتوق سایبری فعال نیستند، ترجیح داده شود؟)

- توجه مربی به فعالان پاتوق سایبری و صرف زمان برای آنان، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان، چه تناسبی با عدالت آموزشی دارد؟ برای جلوگیری از انلاف حق غایبان پاتوق سایبری چه برنامه‌ای داریم؟



معلمی در دنیای صفر و یک‌ها

حسین شکاری

زمانه عوض شده است. نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند، نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است. حالا رسانه‌ها رقیب جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. پس چرا معلم‌ها باید به ابزارهای سنتی‌شان محدود بمانند؟ بچه‌ها از ما معلم‌ها انتظار دارند که همپایشان در «دنیای صفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. آیا ما آماده‌ایم؟

چالش اول: حریم‌نگاری داده‌ها با اطلاعات خصوصی در وب چه کنیم؟

دنیای سقر و یک‌ها دنیای «اطلاعات» است؛ دنیای «ذخیره» و «انتقال» اطلاعات. همه سامانه‌هایی که در فضای مجازی استفاده می‌شوند، به نوعی اطلاعات کاربران را رصد و ذخیره می‌کنند. حتی سامانه‌هایی که برای گرفتن خدمات به وارد کردن نام کاربری و رمز عبور نیاز ندارند هم به شکل‌های متفاوت به شناسایی درگاه‌های اتصال، مدت اتصال، نحوه پیمایش و زمان پیمایش صفحات توسط کاربران می‌پردازند. یکی از چالش‌های دائمی کاربران با شرکت‌های خدمات دهنده اینترنتی، موضوع دسترسی و استفاده ناسامانه از اطلاعات خصوصی کاربران است.

در سال‌های اخیر چندین بار اخبار سوءاستفاده سامانه‌ها از اطلاعات کاربران سروصدای زیادی به راه انداخته است. در آخرین نمونه، جنجال بهره‌برداری غیرقانونی شرکت «کمبریج آنالیتیکا» در انتخابات ۲۰۱۷ آمریکا از اطلاعات کاربری بیش از ۸۰ میلیون کاربر «فیس‌بوک» تا جایی بالا گرفت که کار مدیرعامل فیس‌بوک به پاسخگویی و عذرخواهی در کنگره آمریکا کشیده شد. همچنین، در خرداد

• معلم سواد رسانه‌ای منطقه ۳ تهران

۹۷، بعد از سال‌ها چانه‌زنی و مذاکره، «مقررات عمومی حفاظت از داده» موسوم به «GDPR» در اتحادیه اروپا عملیاتی شد و تمامی شرکت‌های کوچک و بزرگ خدمات‌دهنده اینترنتی به اصلاح روال‌ها و شرایط حفاظت از داده، محرمانگی اطلاعات کاربران و نظارت شدید بر خروج داده از سامانه‌هایشان مجبور شدند.

از آنجا که هنوز معلوم نیست قوانین سخت‌گیرانه‌ای مثل GDPR تا چه اندازه در حفاظت از داده‌های ما کارآمد باشند، لذا احتمالاً بهترین کار این است که خودمان مراقب اطلاعات خودمان باشیم. پس بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که چیزی به اسم «اطلاعات خصوصی» در وب وجود ندارد. همه آنچه ما از خودمان روی وب می‌گذاریم فارغ از پستر دسترسی و سکوی ارتباطی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. اطلاعات عمومی افشا شده: آنچه به میل و اختیار خودمان در صفحات و سامانه‌های اینترنتی بارگذاری می‌کنیم و در معرض استفاده عموم قرار می‌دهیم، مثل تصویر شناسه کاربری (Profile Picture) یا نظرات زیر مطلب در پایگاه‌های خبری (Comment).

ب. اطلاعات عمومی افشا نشده: آنچه به میل و اختیار خودمان از طریق سامانه‌های اینترنتی برای کسی ارسال کرده‌ایم؛ مثل رایانه‌ها (Email) و پیامک (Message) یا اینکه به اجبار (مثلاً در میادی ورودی به سامانه‌ها یا برنامه‌ها) ابراز کرده‌ایم و ظاهراً کسی به‌غیر از خودمان به آن دسترسی ندارد.

تکلیف دسته اول که معلوم است، پس به بچه‌ها بیاموزیم که هرگز نباید اطلاعات خصوصی و شخصی‌شان را داوطلبانه در معرض مشاهده و استفاده عموم قرار دهند، اما از یاد نبریم که دسته دوم اطلاعات هم بنا به دلایل مختلفی، هر لحظه در معرض خطر افشا شدن قرار دارند. از جمله این دلایل می‌توان به «تفشی عهد طرف مقابل»، «هک کور»، «هک هدفمند»، «تغییر ضوابط قانونی خدمات‌دهنده»، «دستور قضایی» و «قوانین فراملیتی» اشاره کرد.

با این حساب، احتمالاً رفتار معقول آن است که فضای مجازی را پستر «نگهداری»، «انتقال» یا «انتشار» هیچ‌گونه «اطلاعات خصوصی» قرار ندهیم.





مرز دیگر میان «علم» و «شبه‌علم» امکان «تکرارپذیری» ادعاهاست. بسیاری از ادعاهای «شبه‌علم» فقط یکبار آزمایش شده‌اند و در شبه‌سازی‌های بعدی نتیجه مشابهی گرفته نشده است. گوی ادعای «تکرارپذیری» را هم نخوریم. جاعلان «شبه‌علم» روی تنبلی ما حساب ویزهای باز کرده‌اند و می‌دانند از هر چند هزار نفر فقط ممکن است یک نفر حوصله تکرار یک آزمایش را داشته باشد. لذا ممکن است با اعتماد به نفس بالایی، از «تکرارپذیری» حرف بزنند.

مراجع رسمی اعلام خبرهای علمی و فناوری را پشناسیم و فریب دلان آگاهی را نخوریم.

این دو شرط ساده، یعنی امکان «رستی‌آزمایی» و «تکرارپذیری» را باید بارها تمرین کنیم تا سر بزرگه فریب نخوریم. مثلاً ادعای قدیمی «استفاده از سلاح مخوف هارپ برای ایجاد زلزله» در صورتی می‌تواند «شبه‌علم» نباشد که با مشاهده و آزمایش قابل تأیید باشد و بارها و بارها امکان تکرار داشته باشد.

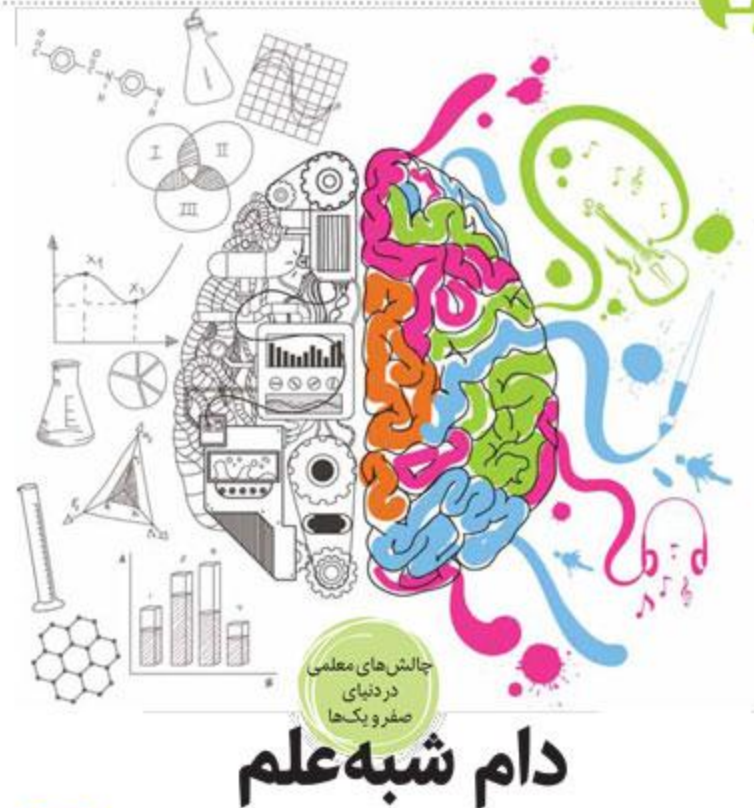
متأسفانه، یکی از ترقندهای نفوذ شبه‌علم به باور مخاطبان، آمیختگی گزاره‌های آن با باورهای مذهبی است. سواستفاده از اعتقادات مذهبی مردم یکی از دردناک‌ترین روش‌های توسعه «شبه‌علم» در همه جهان است. در این‌جا هم معلمان دلسوز و فلیقه مهم شفاف‌سازی مرزهای دین از خرافات را به استناد منابع دینی (وحي، نقل و عقل) به عهده دارند. پادمان باشد، «دین» با ترویج «شبه‌علم» مستحکم نمی‌شود و «دین‌داری» بر پایه «خرافات» فزایش ندارد و «حقیقت» بی‌نیاز از «آرایش» است.

به دلیل جذابیت زرد و زمینه پذیرش فوی «شبه‌علم» در مخاطب، رسانه‌های مجازی هر روز و به هر مناسبتی بازتشر کنندۀ طیف وسیعی از این گزاره‌ها و اخبار عجیب و غریب با موضوعات گوناگون هستند. یاد بگیریم و به چجه‌ها نیز بیاموزیم که بازتشر «شبه‌علم» نشان‌دهندۀ آگاهی و دانش ما نیست و موجب توسعه آگاهی دانش عمومی نمی‌شود. پس در هنگام مواجهه با «شبه‌علم» خویشتن‌دار باشیم!



«خواص ضد سرطان تخمه هندواش»، «اثر جاذبه زمین بر طول عمر انسان»، «تفاوت‌های چپ‌مغزی و راست‌مغزی» و «تأثیر موسیقی بر شکل بلورهای آب» نمونه‌های معروفی از «شبه‌علم» هستند. «شبه‌علم» از واژه‌های علمی و کلام علمی برای تقویت و تثبیت مواضعی استفاده می‌کند که در اساس پایه علمی ندارد، اما پذیرفتن آن برای مخاطب آسان و دلپذیر است. چرا؟ چون «شبه‌علم» معمولاً پاسخ‌های سرراست و همه‌فهمی به پیچیدگی‌های جهان اطراف می‌دهد که غالباً با جانشی محبوب «فراق» یا «سرگرمی» همراه است.

به‌عنوان معلم، باید بدانیم و به چجه‌ها نیز بیاموزیم که «شبه‌علم» فقط در صورتی می‌تواند لباس «علم» بپوشد که امکان «رستی‌آزمایی» داشته باشد. داستان‌های «شبه‌علم» معمولاً به گونه‌ای نقل می‌شوند که امکان «رستی‌آزمایی» ندارند. یعنی شما نمی‌توانید با رفتن به منطقه‌ای، گفت‌وگو با شخصی یا جست‌وجو در اسناد و مدارک، صحت آن‌ها را تأیید کنید. «شبه‌علم» معمولاً خودش را به «آخرین تحقیقات» مرز دانشمندان، «گفته‌های محرمانه بزرگان» یا «دستاوردهای سری ابرقدرت‌ها» منسب می‌کند. حربه خوبی است! به این ترتیب مخاطب کاملاً خلع سلاح می‌شود و چاره‌ای جز پذیرش ندارد. پادمان باشد، نویسنده هیچ مقاله و خبری «علم غیب» ندارد هیچ دلیلی هم ندارد به کسی که ادعای «علم غیب» می‌کند، به راحتی اعتماد کنیم.



دام شبه‌علم

حسین شکاری

زمانه عوض شده است! نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند، نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است! حالا رسانه‌ها رفیق جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. پس چرا معلوماً باید به ابزار سنتی‌شان محدود بمانند؟ بچه‌ها از ما معلوماً انتظار دارند هیرایشان در «دنیای صفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. آیا ما آماده‌ایم؟ در شماره قبل به چالش اول، با موضوع «محرمانگی داده‌ها» پرداختیم. در این شماره موضوعی مطرح شده است که هر روز با آن سروکار داریم.

چالش دوم: علم و شبه‌علم در وب چطور از چپ و راست را از هم تمیز دهیم؟

مشکل دقیقاً همین جاست. وقتی با اطلاعات انبوه سر و کار دارید، جدا کردن «درست از غلط»، «شوخ‌خانی از جدی» و «راست از دروغ» بسیار مشکل است. دانش‌آموز که جای خود دارد، حتی ما معلوماً هم در فضای مجازی بارها به دام اطلاعات «شبه‌علمی» می‌افتیم. «شبه‌علم» گزاره‌ای به ظاهر منطقی و گاه متکی بر حقایق و تجربیات عمومی است که اثبات یا رد آن به‌سادگی ممکن نیست. «تأثیر ماه تولد بر شخصیت».

دنیای صفر و یک‌ها دنیای «اطلاعات» است. حجم اطلاعات موجود در وب هم بسیار فراتر از حد تصور ماست. این اطلاعات انبوه، اگر به‌درستی انتخاب و دسته‌بندی و جست‌وجو و استفاده شوند، در آموزش و یادگیری بسیار مفید و مؤثر خواهند بود. اما چطور باید این کار را کرد؟

• معلم سراسراندازی، منطقه ۳ تهران

چالش‌های معلمی
در دنیای
صفر و یک‌ها

ویکی‌پدیا



حسین شکاری

زمانه عوض شده است. نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند. نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است. حالا رسانه‌ها رقیب جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. بچه‌ها از ما معلم‌ها انتظار دارند همایشان در «دنیای صفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. در نوبت‌های قبل، به دو چالش «محرمانگی داده‌ها در وب» و «آمیختگی علم و شبه‌علم در رسانه‌های اجتماعی» پرداختیم و پیشنهادهایی برای مواجهه هوشمندانه معلمان با این چالش‌ها ارائه دادیم. برای چالش سوم آماده‌اید؟

چالش سوم: جستجوی دانش، از تر یا تا وب ویکی‌پدیا دقیقاً به چه دردی می‌خورد؟

مدت کوتاهی پیش از آنکه «وب» همهٔ ساحات‌های زندگی‌مان را در بر گیرد، یعنی چیزی کمتر از بیست سال پیش، کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، بایگانی‌های محلی و ملی، اسناد یا صندوقچه‌های شخصی دانشمندان و استادان، تنها محل انباشت و نگهداری دانش بشر به حساب می‌آمدند و راه مطمئن برای فهمیدن معنای یک لغت ناآشنا، آشنایی با یک شهر دور، شناخت رموز یک پدیدهٔ فیزیکی، حل مسئله‌ای فقهی، رفع ابهام از معمای فلسفی و ... مراجعه به لغت‌نامه‌ها، دانش‌نامه‌ها، سیرنامه‌ها و امثال آن بود.

حالا کمتر باور کردنی است که بیست سال پیش برای انجام یک پژوهش دانش‌آموزی، گاهی به سفری درون‌شهری تا کتابخانهٔ مرکز شهر نیاز بود! بعد از به دست آوردن کتاب مرجع، باید آن را یک بار از ابتدا تا انتها، یک بار از انتها تا ابتدا و گاهی از وسط به ابتدا و انتها تورق می‌کردی تا مدخل مدنظر را بیابی و تازه مطالعه را شروع کنی. امروز دیگر دانش‌آموزان برای حل مسائل شخصی‌شان، رفع مشکلات درسی، انجام پژوهش‌های کلاسی یا حتی پاسخ به

سؤالات امتحانی، از هر طریقی خود را به «وب» می‌رسانند. «وب» هم که «... دریایی کرانه ناپیدا» کی توان کردن شناسایی هوشمند؟!»

پس برای به دست آوردن پاسخ درست، باید به اندازهٔ لازم و کافی هوشمند بود. اما اگر شما هم مثل بچه‌ها سؤالاتان را از «گوگل» می‌برسید، می‌دانید که معمولاً این جستجوگر مهریسان، اولین و اصلی‌ترین پاسخ‌ها را از «ویکی‌پدیا» (fa.wikipedia.org) به شما عرضه می‌کند، فرقی ندارد که دربارهٔ یک شاعر بلندآوازه سؤال کرده باشید یا یک حشرهٔ آبی یا نبرد تاریخی یا دارویی شفابخش. معمولاً «فانش‌نامهٔ آزاد ویکی‌پدیا» حاضر جواب‌ترین پاسخ‌گوی شما در «وب» است. اما واقعاً چقدر می‌توان به این علامهٔ همه‌چیزدان دنیای ساینس اعتماد کرد؟

به عنوان معلم باید بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که «ویکی‌پدیا» و تمامی ویکی‌های وابسته‌اش (مثل ویکی‌واژه، ویکی‌کتاب، ویکی‌سفر، ویکی‌گفتاورد، ویکی‌نبشته، ویکی‌انبار، ویکی‌ساده و ...) با دانش‌نامه‌ها و کتاب‌های مرجع موجود در کتابخانه‌ها تفاوت‌هایی جدی دارند، مطابق ادعای خود «ویکی‌پدیا».

«ویکی معمولاً به لواطی از وبگاه‌ها گفته می‌شود که به تمام بازدیدکنندگان (حتی گاهی بدون ثبت‌نام) اجازهٔ ویرایش، افزودن یا حذف مطالب را می‌دهد. ویکی توسط نویسنده‌های حرفه‌ای نوشته نمی‌شود، بلکه برای بازدیدکنندگان معمولی طراحی شده است. همچنین، پایهٔ تغییرات در فضای ویکی بر همکاری مبتنی است؛ یعنی هر چقدر همکاری کاربران در ویرایش یک صفحه بیشتر باشد، آن صفحه پُر تغییرتر و [احتمالاً] کامل‌تر می‌شود.»

این فرایند با آنچه ما از روش تدوین دانش‌نامه‌های مرسوم سراغ داریم، بسیار متفاوت است. یعنی به جای اینکه چند کارشناس امین در روندی تحت کنترل و با روش علمی، در محیطی بسته به جمع‌آوری و ارزیابی مطالب بپردازند، کار جمع‌آوری و ارزیابی محتوا در محیطی وب به عموم کاربران سپرده شده است. برای مثال، بیش از شصدهزار مدخل ویکی‌پدیا به زبان فارسی، همگی توسط بیش از هفتصد و هفتاد هزار کاربر در مدت زمانی حدود پانزده سال (از سال ۱۳۸۲ تا امروز) ایجاد و ویرایش شده‌اند و ایمن روند هر ماه با مشارکت بیش از دو هزار کاربر، به حداقل ده‌ها هزار ویرایش منجر می‌شود. همین پویایی و نبود تمرکز در فرایند جمع‌آوری و انتشار محتوا که اصلی‌ترین مزیت ویکی‌پدیاست، به شکل‌گیری انتقادات جدی به این دانش‌نامهٔ آزاد جهانی منجر شده است. منتقدان درستی و اعتبار ویکی‌پدیا را به خاطر «آزادی ویرایش» زیر سؤال برده‌اند. همچنین، ویکی‌پدیا به خاطر «آسیب‌پذیری در برابر خرابکاری»، «کیفیت غیر یکپارچهٔ مقالات»، «سوگیری نظام‌مند» «هی‌تانی»

و تیز به خاطر «ترجیح اجماع بر اعتبار» در سیگ ویرایش مقالات، نقد شده است. ماجراهای معروف بسیاری در این سال‌ها ناشی از اعتماد چشم‌پسته به محتوای دستکاری‌شدهٔ ویکی‌پدیا بر سر زبان‌ها افتاده‌اند که تأمل در آن‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که در استفاده از ویکی‌پدیا رعایت جانب احتیاط، شرط عقل است.

به عنوان معلم باید بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که شاید ویکی‌پدیا به عنوان «اولین منبع» به ما کمک کند به کلیات جواب مسوود نیازمان دست پیدا کنیم، اما نباید روی آن به عنوان «آخرین منبع» تکیه کنیم. همواره باید یافته‌های ویکی‌پدیا را با مراجع معتبر دیگر بسنجیم. اگر در این روزگار، توسعهٔ وب به کاهش زمان دسترسی به منابع علمی منجر شده است، زمان صرفه‌جویی شده را باید به اعتبارسنجی منابع الکترونیکی اختصاص بدهیم و فراموش نکنیم که فعالیت علمی همیشه به دقت و پشتکار فراوان نیاز داشته و دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به وبی از رانیه بنت کعب «مشرق» دریایی کرانه ناپیدا...
2. https://fa.wikipedia.org/wiki/دانش‌نامهٔ_آزاد_ویکی‌پدیا
۳. جالب است بدانید بیشتر مشارکت‌های انجام شده در نگارش و ویرایش ویکی‌پدیا «فارسی» توسط کاربران ساکن در اروپا و آمریکای شمالی انجام شده است و سهم کاربران آن از ایران ۲۵ درصد است!
۴. ماجرای دستکاری «سیر دولاب» در ویکی‌پدیا و البته گزارش‌های فواید نابودین از خنده‌نازترین آن‌هاست.

چالش‌های
معلمی
در دنیای
صفر
و یک‌ها

پژوهش‌های دانش‌آموزی در عصر دیجیتال

حسین غفاری

زمانه عوض شده است. نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند، نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است. حالا رسانه‌ها رقیب جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. پس چرا معلم‌ها باید به ابزارهای سنتی‌شان محدود بمانند؟ بچه‌ها از ما معلوماً انتظار دارند که همایشان در «دنیای سفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. در نوبت‌های پیشین از چالش‌های «محرمانگی اطلاعات»، «دام شبه‌علم» و «دانشنامه‌های آزاد» گفتیم و پیشنهادهایی برای عبور از این چالش‌ها به معلمان ارائه دادیم. آیا برای چالش چهارم آماده‌اید؟

چالش چهارم: هدایت پژوهش‌های دانش‌آموزی در اینترنت با کپی‌کاری و تقلب دیجیتال چه کنیم؟

از سنت‌های معلمی باقی‌مانده از نسل‌های پیشین برای ما یکی هم این است که برای تبدیل کردن دانش‌آموز متغزل به عنصری فعال در کلاس درس، او را به مطالعه و تحقیق و پژوهش‌های کوچک کلاسی تشویق می‌کنیم. حتی هنوز طایفه‌ای از ما معلوماً بخشی از ارزشیابی مستمر کلاس را به خلاصه‌نویسی یک کتاب، نوشتن مقالهای کوتاه یا انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای اختصاص می‌دهند. این فعالیت‌ها آن قدر سنتی هستند که حتماً خودتان هم در دوران مدرسه چنین کارهایی را به‌عنوان دانش‌آموز تجربه کرده‌اید و در طول سال‌های معلمی، با موضوع پژوهش‌های دانش‌آموزی در کلاس درس سروکار داشته‌اید.

با این حال، در یک دهه گذشته که به موازات توسعه عمومی دسترسی به فضای مجازی، محتوای دیجیتال به زبان فارسی هم در اینترنت فوران کرده، روز به روز کار معلم‌ها برای هدایت و ارزیابی پژوهش‌های دانش‌آموزی سخت‌تر شده است. هر چند که ظاهراً دسترسی راحت‌تر به محتوای علمی و آموزشی در فضای مجازی باید زمینه‌ساز گسترش آگاهی و دانایی دانش‌آموزان می‌شد، اما «اینترنت» به سرعت تبدیل به راهزن طریقه بچه‌ها در مطالعه و پژوهش، و شریک جرم آنان در تقلب و رونویسی شده است!

حالا همه می‌دانیم که فاصله بچه‌ها با پاسخ هر سؤال و کشف هر ابهام و راجل هر معمای که معلمان برای تعمیق دانسته‌ها و تثبیت آموخته‌ها مطرح می‌کنند، به اندازه جست‌وجویی ساده در فضای مجازی است. تا جایی که این ضرب‌المثل تازه‌ساز، دهان‌بدهاں میان دهه هشتادی‌ها می‌چرخد که «فکر نکن، سرچ کن!» در این شرایط جدید، چطور باید برای بچه‌ها تحقیق و پژوهشی تعریف کرد که به کپی‌کاری ختم نشود؟ و چطور باید پژوهش‌های دانش‌آموزی را هدایت و ارزیابی کرد؟

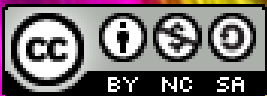
به‌عنوان معلم، باید بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که تعریف «دانایی» در عصر دیجیتال تغییر کرده است. امروزه «مالکیت اطلاعات» چندان ارزشی ندارد و توانایی

«دسترسی به اطلاعات» است که دانشمندان را قدرتمند می‌کند. پس بازگیری صدها کتاب الکترونیکی در رایانه شخصی، ذخیره‌سازی انبوهی از تصاویر و ویدیوها در گوشی‌های هوشمند و اتصال همیشگی به «گوگل»، نشانه دانایی نیست بلکه توانایی یافتن پاسخ درست سوالات از منابع قابل اعتماد و مقایسه انواع رویکردها در حل یک ابهام با استفاده از منابع برخط نشانه «دانایی دیجیتال» است. پس پژوهش‌های دانش‌آموزی نباید صرفاً روی جمع‌آوری اطلاعات یا کشف پاسخ یک معما تعریف شود، بلکه پژوهش‌های عصر دیجیتال باید رقابتی در اعتبارسنجی منابع و تحلیل یافته‌های متضاد و متناقض باشد.

در این مسیر البته معلمان باید مطمئن شوند که دانش‌آموزان حداقل قابل قبولی از محتوای پژوهشی را به‌طور شخصی مطالعه و حل‌اجی کرده‌اند. به این منظور می‌توان از بچه‌ها خواست که در چند مرحله خلاصه نتایج جست‌وجو و مطالعه خودشان را به صورت مکتوب و ترجیحاً دست‌نویس تحویل دهند. همچنین، می‌توان از جلسات ارائه شفاهی نتایج پژوهش برای ارزیابی روند مطالعات استفاده کرد. فعالیت‌های جذابی مثل ارائه نتایج در قالب ضبط ویدیو از خود، تولید محصولات رسانه‌ای ساده مثل یک پوستر رایانه‌ای یا ساختن پرده‌نگار (PowerPoint) در انتهای فرایند پژوهش، می‌تواند در تثبیت آموخته‌های پژوهشی بچه‌ها مؤثر باشد و آن‌ها را با کارکردهای مثبت ابزارهای دیجیتال آشنا کند. صد البته که این مرحله از پژوهش در برابر هر کپی‌کاری یا تقلبی ایمن است!

در انتها فراموش نکنیم که با وجود همه تغییرات نسلی، برای دهه هشتادی‌ها هم، «دیده‌شدن» در مدرسه و کلاس درس بهترین جایزه و تشویق است. پس در ارزیابی کار بچه‌ها، علاوه بر سنجش صحت یافته‌های پژوهشی و محک زدن فرایند تحقیقاتی، می‌توان تولیدات رسانه‌ای دانش‌آموزان را به نمایش گذاشت و رقابتی سالم مبتنی بر تلاش علمی و خلاقیت هنری - رسانه‌ای به راه انداخت.





AzSarNevesht.ir



@AzSarNevesht_ir

@AzSarNevesht



از سر نوشت

حسین
غفاری